

چهره نمای فارسی در قاهره

نعیمه مهدی‌زاده*

روزنامه نگاری فارسی از هند آغاز شد و بر نخستین روزنامه‌های فارسی ایران و افغانستان و استانبول و قاهره تاثیر گذارد. اما روزنامه‌های فارسی هند، فرزند مستقیم مدنیت اروپایی نبود و تنها پاره ای از ویژگی‌های فنی روزنامه‌های اروپایی را تقلید می‌کرد. این روزنامه‌ها زاده یا شکل تحول یافته واقعه نویسی یا واقعه نگاری معمول دربارهای ایران بوده که به مانند بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگ ایرانی به هند رفته و در آن‌جا با ویژگی‌های جامع و امور دیوانی هماهنگ شده است.^۱

واژه روزنامه یا روزنامه‌چه در زبان و ادبیات فارسی تاریخ و سابقه طولانی دارد و «رحیم رضا زاده ملک» در مورد روزنامه در مقاله ای تحت عنوان «واژه‌نامه» اظهار می‌دارد که کلمه روزنامه در معنی و مفهوم امروزی اولین بار در کتاب «مآثرالآثار» اثر اعتمادالسلطنه در زمان ناصرالدین شاه به کار رفته است.^۲ روزنامه نویسی در معنای امروز بعد از ورود صنعت چاپ به ایران در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۵۳ ه.ق) آغاز گردید. میرزا صالح شیرازی نخستین کسی است که به همت وی روزنامه را به معنای امروزی



آن در ایران تاسیس کرد. گروهی نام روزنامه او را «کاغذ اخبار» گذاشتند و گروهی آن را «اخبار دارالخلافة» خوانده اند.

از آغاز انتشار روزنامه در ایران تا پایان قرن نوزدهم میلادی، همه روزنامه‌ها تحت تسلط و نظارت دولت بوده است. در این دوره بسیاری از آزادی‌خواهان و روشنفکران ایران از قبیل میرزا مهدی خان تبریزی، جلال‌الدین کاشانی، ملک‌خان و سیدجمال‌الدین اسدآبادی در کشورهای دیگری چون هند، انگلستان، مصر، ترکیه و... روزنامه‌هایی تاسیس کردند. برخی از این روزنامه‌ها عبارتند از: اختر در استانبول (۱۸۷۵-۱۸۹۷)، قانون در لندن (۱۸۹۰)، حبل‌المتین در کلکته (۱۸۹۳)، ثریا در قاهره (۱۸۹۸)، پرورش در قاهره (۱۹۰۰) حکمت در قاهره و چهره نما در مصر (۱۹۰۴)، شمس در استانبول، ارشاد در باکو و...

روزنامه‌های مصر

اولین نشریه سیاسی - اجتماعی به مدیریت علی محمد کاشانی (پرورش) که روز جمعه ۱۰ صفر ۱۳۱۸/۸ ژوئن ۱۹۰۰ م به زبان فارسی در قاهره آغاز به کار کرد پرورش نام داشت. این روزنامه در هر هفته یک شماره و در ۱۶ صفحه، نخست روزهای جمعه و سپس روزهای دوشنبه منتشر می‌شد.^۳ پرورش به سبک و سیاق روزنامه ثریا نگارش می‌یافت و مطالب آن عبارت بود از سرمقاله، اخبار خارجه و مقالات گوناگون درباره مسایل سیاسی و اجتماعی ایران که در آن‌ها بر موضوعاتی چون تجدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران تاکید می‌شد. در هر شماره «آزاد» بودن روزنامه به عنوان یک شعار ثابت تکرار می‌گردید.

علی محمد کاشانی که بعدها به واسطه انتشار پرورش به همین نام مشهور گشت، پیش از ترک تهران، با دو روزنامه اطلاع و ایران نیز همکاری داشت و در استانبول با شیخ احمد روحی و آقاخان کرمانی در انتشار روزنامه اختر مشارکت می‌کرد.^۴ وی هنگام اقامت در مصر، با درک درست از فضای آزاد آن کشور - که در میان کشورهای شرقی بی‌نظیر بود و آزادی‌های سیاسی و مدنی روز به روز در حال گسترش بود به کار روزنامه نگاری روی آورد و با همکاری فرج‌اله کاشانی، روزنامه ثریا را در (۱۳۱۶ ق / ۱۸۹۸ م) منتشر ساخت. اما در سال دوم انتشار و پس از ۲۷ شماره (۲۰ محرم ۱۳۱۸) از انتشار ثریا



کناره گرفت و ۲۰ روز بعد یعنی ۱۰ صفر ۱۳۱۸ بنابر «اصرارات تهران و ابرامات تبریز» و نیز به پشتوانه حمایت‌های مادی و معنوی دوستانش در داخل و خارج از ایران مانند یحیی دولت آبادی، به انتشار روزنامه پرورش در قاهره پرداخت، به گفته دولت آبادی انتشار پرورش هیجان فراوانی در میان دانش‌آموختگان و وطن‌پرستان ایرانی ایجاد کرد و روزنامه ثریا را تحت الشعاع خود قرار داد. این امر موجب بروز یک سلسله مناقشات و مشاجرات قلمی میان ثریا و پرورش گردید.^۶

تجربه علی محمد کاشانی در امر روزنامه نگاری، قلم شیوا و روشنفکر پسند او، استفاده از همکاری نویسندگانی چون شیخ احمد روحی و نیز برادرانش، نصراله، عبدالله و عبدالحسین سبب شد تا دایره انتشار پرورش مانند ثریا به قفقاز، هند و چین، عثمانی، روسیه و نیز اروپا گسترش یابد. و در ایران نیز جایگاهی خاص بیابد. چنان‌که در روزهای ورود پرورش به تهران، جوانان پرشور، بی‌صبرانه رسیدن محموله پستی جدید را از قاهره انتظار می‌کشیدند. درباره نقش پرورش در بیداری ایرانیان و تأثیر آن بر انقلاب مشروطیت، سخن بسیار گفته شده است به گفته کهن زمانی که سایه سانسور بر مطبوعات ایران سنگینی می‌کرد، این روزنامه در شکل‌گیری انقلاب مشروطه نقشی به سزا داشت و با گسترش افکار نو و مترقی، پایه‌های نظری این جنبش را تقویت می‌کرد. دولت آبادی هر شماره پرورش را دارای تأثیری خاص در احساسات و افکار انقلابی مردم ایران می‌دانست. «براون» تأثیر پرورش را هم‌پایه تأثیر روزنامه قانون می‌داند و بر آن است که پرورش موجب انقلاب فکری عظیمی در میان جوانان ایران شد. انقلابی که درباریان را دچار بهت و حیرت ساخت.^۷

محمدتقی بهار، مقالات پرورش را درباره اصلاحات سیاسی و اجتماعی، بسیار موثر می‌داند و سرانجام کسروی از غیرت و دانشوری کاشانی و مقالات تکان دهنده وی سخن می‌گوید. کاشانی در شماره ۲۳ این نشریه (چهارم شعبان ۱۳۱۸) طی مقاله‌ای به نقد روش‌های ضد ملی امین‌السلطان، صدر اعظم پرداخت و در مقام مقایسه، امین‌الدوله را به وی ترجیح داد. این مقاله خشم صدراعظم را برانگیخت و به دستور وی ورود پرورش از قاهره به تهران ممنوع شد. فاصله میان این ممنوعیت و پایان کار پرورش چندان به درازا نکشید چنان‌که پس از ده شماره (شماره ۳۳، چهارم ذیحجه ۱۳۱۸) متوقف شد و



دو سال پس از آن، یعنی در شعبان ۱۳۲۰ کاشانی به بیماری سل درگذشت و در حلوان نزدیک قاهره به خاک سپرده شد.

۱/۵ سال پس از فوت کاشانی در آخر محرم (۱۳۲۲/۱۹۰۴) عبدالمحمد ایرانی (مؤدب‌زاده) نشریه چهره نما را در مصر منتشر ساخت. این نشریه در آغاز دوبار در ماه و سپس ۳ بار در ماه و در ۱۶ صفحه منتشر می‌شد. فهرست این روزنامه شامل سرمقاله، اخبار سیاسی و اجتماعی ایران و جهان، مقالات گزیده‌ای از تاریخ ایران، مسایل تجاری و اقتصادی و چند تصویر گراوری و آگهی بود. و در سرلوحه آن آمده بود که این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب بوده و مرکز آن در اسکندریه است و در کلیه نواحی مصر، ممالک ایران، عثمانی، هندوستان، قفقاز و ترکستان و اروپا و چین توزیع می‌گردید. ظاهراً کلیه نوشته‌جات به قلم مؤدب زاده بوده است.

به نظر می‌رسد که موضع‌گیری سیاسی چهره‌نما چون ثریا و پرورش نبوده و در مورد مسایل داخلی جانب احتیاط را در پیش گرفته است و شاید یکی از دلایل آن دوری جستن از سرنوشت پرورش در ممنوعیت ورود به دارالخلافه بوده است. در میان شخصیت‌های سیاسی، مخالفت و ضدیت چهره‌نما با اتابک اعظم میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان چشمگیرتر است که با برکناری او و آمدن عین‌الدوله این التهاب هم فروکش می‌کند. طی یادداشتی در خصوص این‌که انگلیسیان وارد جزیره ابوموسی شده‌اند و پرچم خود را در این جزیره ایرانی در خلیج فارس برافراشته‌اند. سخت برآشفته و آن را نتیجه سیاست مماشات و همکاری امین‌السلطان با انگلیسی‌ها تلقی می‌کند.^۹ سلسله مقالات علم و عالم و جایگاه ارزشمند این دو در هر جامعه، سلسله مقالات وطن‌دوستی و استقلال، مقاله‌ای در خصوص وضعیت ایران و مطبوعات، وضعیت چاپ و نشر علم در ایران و مقایسه آن با وضعیت ژاپن و سلسله مقالات درباره آزادی، قانون، مقابله با دیکتاتوری و فواید سلطنت مشروطه و راه‌هایی که دول عالم برای ترقی و ترفیه ملل خود طی کرده‌اند. مبارزه با فقر و بی‌سوادی و جهل و تن‌پروری و اعتیاد و... در قالب مکالمه میرزا سعید سمنانی با ابومفید کرمانی از ویژگی‌های ممتاز چهره‌نماست. پوشش کامل جنگ‌های روس و ژاپن و تبیین چهره اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های بین‌المللی پیرامون این منازع بزرگ از دیگر نقاط برجسته این روزنامه است.



در یادداشتی که یکی از ادبای نامدار استانبول نوشته است آمده است: «هنوز اول منزلید، سنگ نخورده‌اید، ویرانه ننشسته‌اید، خسارت‌ها ندیده‌اید، از تجارت هم عقب نمانده‌اید، نسبت لامذهبی‌جهال به شما نداده‌اند و حرف لابلالی مشربی در حق‌تان نگفته‌اند. اول هنگامه شباب است و نخستین عنفوان جوانی است. ثابت باشید و مستقیم، چهره خود را آب و تاب بدهید و به جهت آرایش چهره چهره‌نما خجک؟ هنرمندی به کار برید. (ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز) ثبات قدم را از رفیق کاشانی و هم عصر خودتان یاد بگیرید... تاریخ دنیا شاهد من و شماست، هزاران مخاطره در این راه است که پیش گرفته‌اید. فردا خواهید دید که صدای تکفیر در حق شخص حبل‌المتین بلند خواهد شد، شاید تکفیر دامن‌گیر شما هم بشود. میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان به یکی از دوستان حبل‌المتین پیغام کرده بوده است که صد هزار تومان برای این کار کنار گذاشته‌ام... آن وقت حبل‌المتین چه می‌کند، روزنامه نگاری را ترک می‌کند؟ خیر صبر می‌کند. مردم ایران چه می‌کنند، روزنامه او را نمی‌خوانند؟ چرا می‌خوانند نه ما از میدان خواندن درمی‌رویم و نه حبل‌المتین و نه شما از میدان نوشتن...»^{۱۰}

میرزا حسن رشدیه، در خصوص ممنوعیت ورود روزنامه چهره‌نما شرحی به صدراعظم عین‌الدوله نوشته و تقاضای آزادی ورود چهره‌نما به ایران را می‌نماید. عین‌الدوله چنین پاسخ می‌دهد: «... چون جنابعالی را بی‌غرض و صحیح‌القول می‌دانم، در این مسئله مهم تعهد جنابعالی را تصدیق می‌کنم... بر حسب تعهد شما سفارش لازم شد روزنامه را از توقیف خارج و ورود به خاک ایران بدون ممانعت قبول نمایند (سلطان عبدالمجید).»^{۱۱}

می‌دانید از برای یک آدمی مثل من چه قدر این خبر مایه خوشوقتی و امیدواری است. بله کسی که سه سال وزرای کبار گولش زده‌اند و وعده‌های دروغ داده‌اند و تلگرافات جعلی کرده‌اند، در مسئله حبل‌المتین، یقین است که از وصول یک چنین نعمتی خیلی مسرور و مهتر می‌شود و باید به اندازه خودش در قیام شکر نعمت کوتاهی نکند... امروز هر کس به حال ملت ایران وقوف‌نامه داشته باشد، درجه احتیاج این ملت را به علم و آزادی قلم و رواج اوراقی که وسیله پیشرفت و باز شدن دماغ مردم باشد می‌داند تا چه درجه است. من به هیچ خوف و تردید می‌گویم و این غرض من راجع به شخص سلطنت و هیئت حالیه حکومت است. امروز هر وزیری که بر علیه روزنامجات آزاد و مکاتبات



جدید و معارف باشد، بدون هیچ شبهه دزد است و دشمن دولت ایران... محققا اگر قلم آزاد شد و اوراق روزنامجات در نوشتن حقیقت مؤاخذه نشده‌اند، به زودی دوست از دشمن پیدا می‌شود و هوشیار مرد ناهوشمند را بی‌آبرو می‌کند. وزرای سابق هر کدام که بودند، به پادشاه، روزنامجات و مکاتب را دشمن نشان می‌دادند. چرا؟ به واسطه سود اعمال و کژی رفتار یقین است دزد از داروغه خوشش نمی‌آید. پس وزیر دولت خواه آن کسی است که به پادشاه بگوید که باید قدر آزادی قلم را شناخت...»

به هر حال، گر چه نمی‌توان **چهره‌نما** راجزو روزنامه‌های زمینه‌ساز انقلاب مشروطه به شمار آورد ولی به یقین سهم به سزایی در پاسداشت دستاوردهای انقلاب و تبیین و تعمیق اصول و اهداف آن داشته است. با استقرار رژیم مشروطه و حکومت مشروطه طلبان و بنیادگرفتن مجلس شورای ملی و ارکان آن و تصویب قانون اساسی در کشور کم کم مرزهای کشور به روی آزادی‌خواهان رانده شده و قلم به دستان فراری باز شد و با اوج‌گیری مطبوعات داخلی، روزنامه‌های فارسی زبان خارجی از رونق افتاد و یکی پس از دیگری تعطیل شدند و مهاجران به ایران بازگشتند، دوره جدیدی آغاز شده بود. ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پی‌نوشت‌ها:

۱. براون ادوارد. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران. ترجمه محمد عباسی. تهران. ۱۳۴۱ ص ۶۵
۲. استعلامی، محمد. بررسی ادبیات ایران. تهران، امیرکبیر. ص ۲۶
۳. صدرهاشمی، محمد. تاریخ جراید و مجلات ایران. اصفهان ۱۳۶۳. ۵۹ و ۵۷/۲
۴. کهن، گوئل. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۰۱
۵. دولت‌آبادی. یحیی. حیات یحیی. تهران ۱۳۶۲. جلد ۲. ص ۵۷-۶۰
۶. صدرهاشمی، همان. جلد ۲. ص ۶۰-۶۲
۷. براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران. ترجمه محمد عباسی. تهران، ۱۳۴۱. جلد دوم ص ۲۷۲
۸. کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران. تهران ۱۳۱۶. ص ۴۲
۹. چهره‌نما، شماره ۸ ص ۱۲
۱۰. چهره‌نما، شماره ۱۳ ص ۷
۱۱. چهره‌نما، شماره ۱۴، ص ۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی